

پاسخ علیرضا پناهیان به سوال

«حوزه برویم یا دانشگاه؟»

در کدام رشته علمی تحصیل کنیم؟

- جوانان زیادی از بنده سوال می‌کنند که ما حوزه برویم یا دانشگاه؟ بنده معمولاً در جواب عرض می‌کنم: این سوال دقیقی نیست. بلکه صحیح‌تر آن است که ابتدا سوال شود: «در کدام رشته علمی تحصیل کنیم؟» آنگاه باید ببینیم رشته تحصیلی یا موضوع علمی که می‌خواهیم انتخاب کنیم در حوزه بهتر ارائه می‌شود یا در دانشگاه. البته قبول دارم عوامل دیگری هم در انتخاب شغل و یا محیط تحصیلی موثر هستند. اما ابتدا از اینجا شروع کنیم بهتر است.

نیاز جامعه و استعداد ما؟ خدمت به «بُعد مادی و جسمانی» یا «بُعد روحی و معنوی» انسان‌ها؟

- برای تعیین یک رشته تحصیلی نیز باید عوامل مختلفی را در نظر گرفت از استعداد شخصی تا نیاز جامعه. مثلاً باید پرسید آیا به سراغ رشته‌هایی برویم که به زندگی مادی انسان‌ها خدمت می‌کند یا به سراغ رشته‌هایی برویم که به زندگی روحی و معنوی انسان‌ها خدمت می‌کند؟ نیاز جامعه و یا علاقه و استعداد ما در کدام زمینه بیشتر است؟ پرسش‌های دیگری هم می‌شود مطرح کرد مانند اینکه: به سراغ علوم تجربی برویم، یا به سراغ علوم غیرتجربی مثل فلسفه، یا علوم وحیانی؟
- یعنی بهتر است قبل از اینکه بخواهید در مورد صورت شغل آینده خود و یا اعتبار ظاهری و اجتماعی آن تصمیمی بگیرید، ابتدا اصل رشته تحصیلی یا موضوع علمی که می‌خواهید فرابگیرید را برای خودتان مشخص کنید. البته اشکال ندارد که انسان از همان ابتدا، یک چشم‌اندازی درباره ابعاد اجتماعی و اعتباری شغل آینده خودش داشته باشد، ولی منطقی‌تر این است که انسان بررسی خود را از یک مبنای مهمتر شروع کند.
- سوال خود را به این طریق هم می‌توانیم مطرح کنیم: آیا می‌خواهیم به بُعد مادی یا جسمانی انسان خدمت کنیم، یا به بُعد روحی یا معنوی او؟ چون وقتی شغلی را انتخاب می‌کنید طبیعتاً به یکی از دو بعد حیات انسان بیشتر مربوط خواهد بود. لذا باید ابتدا مشخص کنید به کدام یک از این دو بُعد وجود انسان می‌خواهید خدمت کنید؟ یعنی باید ببینید به کدام یک از دو بعد وجود انسان، بیشتر اهمیت می‌دهید، و یا خدمت در کدام زمینه بیشتر مورد نیاز است؟

امروز بیشتر به متخصصینی نیاز داریم که به ابعاد روحانی و معنوی انسان‌ها خدمت کنند

- بنده تصور می‌کنم امروز در جامعه ما بیشتر به افراد متخصصی که بتوانند به ابعاد روحی و معنوی انسان‌ها خدمت کنند نیاز داریم. حالا چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی؛ ما بیشتر به متخصصین علوم انسانی و وحیانی نیاز داریم. زیرا در زمینه‌های فنی، و آنچه مربوط به بخش مادی و جسمانی زندگی ماست بیشتر پیشرفت‌های زیادی کرده‌ایم و بعضاً در حال خودکفا شدن هستیم. اما نیازمندی‌های جامعه در ابعاد روحی و روانی بسیار بیشتر از آن است که فکر می‌کنیم.
- اگر این نظر صحیح باشد، که البته دلایل زیادی می‌توان بر آن اقامه کرد، پس آدم‌های باهوش و مستعد فراوانی لازم است در زمینه‌های علوم انسانی به تحصیل بپردازند و به ابعاد روحانی انسان خدمت کنند. این یک نیاز منطقه‌ای و

حتی جهانی است و محدود به کشور ما نیست. دیگران با آنکه پیشرفت‌هایی در این علوم داشته‌اند، بعضاً نیازمندتر از ما هم هستند.

بسیاری از استعداد‌های مناسب برای «تحصیل در علوم انسانی» به دلیل «مشاوره» و «ملاحظات» نادرست به رشته‌های فنی و پزشکی هدایت شده‌اند

- علاقه افراد هم مهم است ولی علاقه‌ها را می‌توان به این سمت سوق داد. با شنیدن توضیحات خوب در این باره بسیاری از جوانان به موضوعات علوم انسانی علاقه پیدا می‌کنند. نمونه‌های فراوانی را من دیده‌ام از دانشجویانی که در رشته‌های فنی تحصیل می‌کنند ولی پشیمانند که چرا به حوزه یا رشته‌های علوم انسانی نرفته‌اند.
- استعداد هم لازم است ولی بنده فکر می‌کنم استعداد‌های فراوانی هستند که از توانایی و تناسب بیشتری برای تحصیل در رشته‌های علوم انسانی برخوردار هستند ولی به دلایل مختلف از مشاوره‌های غلط و یا انگیزه‌های مادی و ملاحظات غلط اعتیاری به سمت رشته‌های فنی و یا پزشکی هدایت شده‌اند. البته در رشته‌های فنی و پزشکی هم نیاز به دانشجویان خوب زیاد است ولی بنا نیست هرکسی با استعداد بود صرفاً چنین رشته‌هایی را انتخاب کند. در رشته‌های دیگر هم نیاز به استعداد‌های برتر فراوان است.
- انسان در همه زمینه‌ها می‌تواند به جامعه خدمت کند؛ ممکن است کسی علاقه داشته باشد به ابعاد جسمانی و فیزیولوژیک انسان خدمت کند؛ این اشکال ندارد اما به نظر من امروز اولویت ندارد. و خوب است جوانان با استعداد، از اول همه جوانب شغل آینده خود را به‌خوبی بشناسند.

سه راه برای خدمت به ابعاد معنوی انسان: علوم تجربی، علوم فلسفی و علوم وحیانی؛ کدام راه بهتر است؟

- شاید اگر جوانان به حال خود واگذاشته بشوند، و خوب برای آنها توضیح داده شود، اکثراً علاقه به تحصیل در علوم انسانی و یا وحیانی پیدا کنند. و اگر برخی حقائق درباره اهمیت تحصیل در علوم دینی را بدانند که این اقبال بیشتر هم خواهد بود.
- اگر بخواهید به ابعاد روحی و معنوی انسان و جوامع بشری خدمت کنید، سه راه در پیش روی شما قرار دارد: 1- به سراغ علوم تجربی مانند مدیریت، روانشناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی بروید که روش تحقیق در این علوم غالباً تجربی است 2- به سراغ علوم فلسفی بروید و انواع فلسفه‌ها و فلسفه‌های مضاف را تحصیل کنید و فلسفه‌پرداز شوید و از این ناحیه بر زندگی انسان‌ها تأثیر بگذارید. 3- به سراغ علوم وحیانی بروید، فقه بخوانید و در معارف دینی عالم بشوید، و بعد در مسائل مختلف زندگی انسان که دین متعرض آنها شده است به گره گشایی و راهنمایی بپردازید.
- از میان سه راه فوق، کدامیک بهتر است؟ پاسخ بنده این است که وقتی می‌خواهیم به روح انسان کمک کنیم، نباید بدون اجازه پروردگار عالم یعنی بدون آگاهی از معارف دینی این کار را انجام دهیم، چون ممکن است دچار اشتباهات زیاد بشویم. عالمانه‌تر آنست که اگر کسی بخواهد درباره انسان نظر بدهد، از نگاه خالق این انسان خبر داشته باشد و بداند خدا که انسان را آفریده درباره مسائل او چه نظری دارد، و بر مبنای آن آگاهی‌های خود را گسترش بدهد.
- امروز توجه اندیشمندان منصف علوم انسانی به طور جدی به علوم و معارف دینی جلب شده است. و با توجه به رغبت عموم انسان‌ها به معنویت و شکست خوردن بسیاری از اندیشه‌های تجربی و فلسفه‌های مادی گرایش به فهم دین تبدیل به یک ضرورت شده است. برای ما که در کنار این سرچشمه قرار داریم حیف است که بی‌نصیب بمانیم.
- شما در آینده خواهید دید که در عموم مسائل رشته‌های علوم انسانی، فهم دین حرف اول را می‌زند. البته الان این‌طور نیست، ولی همین امروز هم اگر کسی بخواهد جامعه‌شناس یا روانشناس خوبی بشود، و بخواهد در هر یک از رشته‌های علوم انسانی بخواهد صاحب نظر بشود، واقعاً بدون فهم دین و بدون اطلاع از نظر پروردگار عالم درباره انسان و حیات بشر نخواهد توانست به مقصود برسد.
- پس اگر کسی به هر رشته‌ای از رشته‌های علوم انسانی علاقمند باشد، بهتر است ابتدا در فهم دین یعنی فقه به معنای عام کلمه، تبحر پیدا کند، و درک عمیقی از دین داشته باشد، و بعد در آن موضوعات کار کند.

«حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان»؛ پاسخی به یک نیاز عمومی

- خوشبختانه چندین سال است که جریانی به نام «حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان» به همت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در برخی دانشگاه‌های کشور به راه افتاده و به دانشجویان رشته‌های مختلف این فرصت را می‌دهد که در کنار تحصیل دروس دانشگاهی، از دروس حوزوی نیز بهره ببرند. دانشجویان زیادی در این دوره‌ها ثبت نام می‌کنند و در کنار دروس دانشگاهی خودشان، برخی از دروس حوزوی را می‌خوانند. (اگرچه معمولاً برخی از آنها پس از اتمام مقطع درسی خود در دانشگاه به سراغ طلبگی می‌روند). یعنی اینها به این نتیجه رسیده‌اند که بدون فهم دین نمی‌توانند در این جامعه، درست زندگی کنند. این یک نیاز عمیق و عمومی شده است و خصوصاً کسانی که می‌خواهند در رشته‌های علوم انسانی کار کنند به فهم دین، بسیار نیاز دارند.

نیاز روحی انسان به «ارتباط با خدا» فقط با «فهم صحیح دین» تأمین می‌شود/ امروز به «فقیه خوب» خیلی بیشتر از «روانشناس خوب» نیاز داریم

- جدا از موضوعات و مسائل علوم انسانی، که نیازمند شناخت دقیق معارف دینی است، یکی از نیازهای روحی انسان «ارتباط انسان با خدا» و تضمین حیات طیبیه و سعادت حیات جاودانه آخری او است؛ و این فقط با فقه و فهم صحیح دین تأمین می‌شود. نیازهای معنوی انسان دیگر با علوم انسانی قابل تأمین نیست.
- اساساً برای اینکه بتوانیم به دین مردم خدمت کنیم، باید فقیه بشویم و دین را بفهمیم. و این مهمتر از آن است که برای موفقیت در سایر رشته‌های علوم انسانی به سراغ فقه برویم، چون ما امروز به «فقیه خوب» خیلی بیشتر از روانشناس خوب یا متخصصین سایر رشته‌های علوم انسانی نیاز داریم.

قصد «خدمت به دین» ارزشمندترین قصد برای تحصیل علم/قسم مشهور رسول خدا(ص) خطاب به امیرالمؤمنین(ع)

- کسی که به کسب معرفت دینی اقدام می‌کند و در کنار آن به هر شیوه‌ای با مسائل زندگی بشر در علوم تجربی آشنا می‌شود، و به این شکل به دین مردم خدمت می‌کند باید بداند نزد پروردگار عالم چقدر عزیز می‌شود و چقدر به او عنایت می‌شود. بعضی‌ها می‌گویند: ما «می‌خواهیم طلبه شویم، یا می‌خواهیم به دانشگاه امام صادق(ع) برویم برای اینکه رشد معنوی داشته باشیم و «آدم» بشویم.» در حالی که اینها می‌توانند هدفی بالاتر از این داشته باشند و آن خدمت به دین است، چون کسی که به دین خدمت کند، خداوند عنایات بیشتری به او خواهد داشت و اصلاً حساب جداگانه‌ای برای او باز خواهد کرد.
- کسی که به قصد خدمت به دین و هدایت انسان‌ها، به سراغ کسب معارف دینی برود، می‌تواند تغییرات ویژه در زندگی خود و عنایات الهی به خودش را لمس کند. چون خدمت به دین، ارزشمندترین خدمت است. لذت معنوی و روحی این شغل، شاید در هیچ شغل دیگری پیدا نشود. رسول خدا(ص) به امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «به خدا سوگند، اگر خداوند کسی را به دست تو هدایت کند برایت بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب می‌کند؛ وَ اِنَّ اللَّهَ لَآنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَىٰ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ» (کافی/28/5)

انسان‌ها امروز بیش از هر چیزی به رهبران سالم نیاز دارند

- اساساً نتیجه نهانی تحصیل علوم و معارف دینی، رهبری کردن دل‌ها و اندیشه‌ها به سوی خدا و رهاسازی آنها از اسارت و بندگی طاغوت و ابلیس است. کسی که معرفت دینی پیدا کرد، چه جامعه‌ای کوچک در اطراف خود و چه جامعه‌ای بزرگتر در پیرامون خود را رهبری خواهد کرد و در مقام مربی جامعه قرار می‌گیرد. انسان‌ها امروز بیش از هر چیزی به رهبران سالم نیاز دارند. امروز جوامع بشری بیش از پزشک و مهندس و بیش از هر شغل دیگری به رهبران اجتماعی نیاز دارند که بتوانند گروه‌های بزرگ انسانی را هدایت کنند.
- امروز می‌توانید ببینید رهبران موثر و خوب در این منطقه حساس در جهان همه از عالمان دینی هستند. سه روحانی، مؤثرترین و مستقل‌ترین شخصیت‌های سیاسی هستند که پشت و پناه مردم خود هستند. رهبر عزیز انقلاب ما، حضرت آیت الله سیستانی و آقای سید حسن نصرالله. هماهنگی این دو بزرگوار با رهبر معظم انقلاب نیز برای همه مشخص است؛ این وضعیت تصادفی نبوده است و حزب یا جریان سیاسی خاصی هم چنین موقعیتی را پیش نیاورده است؛ این یک نیاز طبیعی است که منجر به چنین وضعیتی شده است.

- کسی در طلبگی نباید نگران شیوه خدمت خود در آینده باشد؛ تنوع شغلی طلبگی برای انواع استعدادها متعدد است.

نیاز به عالمان دینی که به دین مردم خدمت کنند، نیاز اول حیاتی کشور است/این نیاز بدون حضور جوانان مستعد در حوزه تأمین نمی‌شود

- نیاز به عالمان دینی که به دین مردم خدمت کنند، نیاز اول حیاتی کشور است و ما نمی‌توانیم این نیاز را به هیچ طریقی به جز حضور جوانان مستعد در حوزه‌های علمیه تأمین کنیم. جوانانی که ابتدا حوزه‌های علمیه به آنها خدمت خواهند کرد و سپس آنان به خدمت و صیانت از حوزه‌های علمیه خواهند پرداخت.
- نکته مهم و قابل توجه این است که حوزه‌های علمیه برای انواع استعدادها شغل‌های متنوع و ارزشمند ارائه می‌کند. یعنی وقتی عالم دینی شدی بنا بر استعداد و توانایی‌های خاص خود می‌توانی از تحصیل در انواع شاخه‌های علوم دینی تا انواع خدمات از قبیل تحقیق و پژوهشگری، تبلیغ و نویسندگی، تدریس و امامت جماعت، و انواع فعالیت‌های فرهنگی را در جامعه انجام دهی. کسی در طلبگی نباید نگران آینده شغلی خودش باشد.

طلبگی به چیزی بیش از علاقه نیاز دارد

- البته تحصیل معارف دینی لیاقت هم می‌خواهد. ما برای تحصیل علوم دینی، نیاز به انسان‌های شایسته و شریف داریم و خداوند هم خیلی در این زمینه سختگیر است. یعنی خداوند در پذیرش افراد لایق در این زمینه خیلی سختگیر است و هر کسی را نمی‌پذیرد. هر چند ممکن است کسانی باشند که نفوذی باشند و یا پس از حضور در حوزه ممکن است به دلائلی لیاقت خود را از دست بدهند، ولی غالباً هر کسی راه به چنین جایگاهی پیدا نمی‌کند.
- گاهی انسان خود را لایق نمی‌بیند ولی علاقمند است در این راه قدم بگذارد. در این صورت باید با توسل به ائمه هدی(ع) و تضرع در خانه خدا لیاقت را طلب کند و متواضعانه و متوکلانه قدم در این راه بگذارد. هر چند اساساً کسی نمی‌تواند به طور قاطع خود را لایق چنین جایگاهی ببیند که عجب به دنبال خواهد آورد، ولی نباید کسی خود را به این دلیل از ورود به سلک روحانیت محروم نماید. همین‌که حاضر باشد ضرورت‌ها را بپذیرد کافی است.
- هر شغلی نیاز به علاقه هم دارد ولی در مورد طلبگی به چیزی بیش از علاقه نیاز هست؛ و انسان باید به راه و رسالت طلبگی معتقد و عاشق باشد تا توفیقات لازم را در این زمینه کسب نماید.